

اشاره

صابئین یکی از ادیان کهن است. درباره ریشه این کلمه، مباحث فراوانی مطرح شده است. به نظر می‌رسد که کلمه «صابئین» از «ص ب ع» مشتق شده است و به معنای معمدون (فرورفتگان در آب) است. براساس اسناد موجود در نزد منداییان، آنان از دو هزار سال پیش ساکن مناطق جنوبی ایران و عراق شدند. صابئین دو گروه هستند؛ صابئین مندایی و صابئین حزّانی. مورد بحث ما تعالیم صابئین مندایی است که در خوزستان ایران و بصره عراق ساکن‌اند. در این نوشته، علاوه بر استفاده از منابع مکتوب، از دیدگاه با روحانیون و رهبران مذهبی صابئین مندایی ساکن اهواز نیز درباره مذهب خویش استفاده شده است.

تاریخ و آموزه‌های صابئان و جایگاه آنان در فقه (۲)

سیّده زهرا حسن‌زاده *

احکام دینی صابئین مندایی

در این بخش، احکام دینی صابئین مندایی بیان می‌شوند؛ احکامی که هم اکنون معتقدان و مؤمنان به این دین، به آنها پایبند و آنها را انجام می‌دهند. یکی از این احکام طهارت است که شامل تعمید، طماشه و رشامه می‌شود. در اینجا هر کدام از این مناسک و موارد ضرورت آنها را بررسی می‌کنیم.

الف. تعمید

این واژه به معنای قصد کردن انجام کاری است و در اصطلاح، نزد مسیحیان، به معنای غسل دادن کودکان و کسانی است که به دین عیسوی درمی‌آیند. این عمل، طبق مراسم

* کارشناس ارشد فقه و اصول و دبیر دبیرستانهای اهواز.

خاصی انجام می‌شود.^۱ یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین مناسک مذهبی منداییان، تعمید است که در روزهای یک‌شنبه و در آب جاری انجام می‌شود. از این رو، یک‌شنبه روز مقدسی تلقی می‌شود و آب جاری در نزد منداییان جایگاه خاصی دارد.

آنان معتقدند که تعمید باعث می‌شود انسان خود را از تمام قید و بندهای این دنیای مادی، رها و آزاد احساس کند و به پروردگار نزدیک‌تر شود و بیش از قبل، مشتاق انجام کارهای نیک گردد. نیز به واسطه همین تعمید، خداوند خطاهای شخص را نادیده می‌گیرد و گناهانش پاک می‌شوند. تعمید فقط توسط روحانی مندایی انجام می‌شود و به خودی خود عملی مندوب است، اما بعضی از مواقع واجب می‌شود. هر فرد مندایی باید در عمرش حداقل یک بار تعمید شود. در روزهای عید، تعمید دسته‌جمعی انجام می‌گیرد.^۲

اعیاد مندایی عبارت‌اند از:

۱. دعواربا، عید بزرگ در یکم دولا که حدود ۳۱ تیر ماه است.
 ۲. عید شیشان که عید تحویل سال مندایی است و حدود ۵ مرداد ماه است.
 ۳. دهوا ادفل که سرآغاز سفر ملکاهییل زیوا (جبرئیل) به امر خداوند برای منجمد کردن زمین و ایجاد حیات بر روی آن است.
 ۴. دعوا خُنینا (عید کوچک) که ملکاهییل زیوا به همراه ملکاشتیل و اُنش، بعد از منجمد کردن زمین و ایجاد حیات و برداشت از محصول آن، سفر خود را به دنیای نور آغاز کردند.^۳ این عید در آبان ماه است.
 ۵. دهوا ادمانا (عید فرشته) که میلاد حضرت یحیی است و در اوایل خرداد ماه است.
 ۶. دهوا ادپرو انایا (طنجا بنجه) که مدت آن پنج روز است و خداوند در این پنج روز، دنیاهای نور و ملائک مقرب درگاهش را خلق نمود. این عید در حدود اواخر اسفند ماه و اوایل فروردین است.
- تعمید بر دو نوع است: ۱. تعمید زهریتا ۲. تعمید شومیثا. این دو نوع تعمید با هم

۱. فرهنگ معین، واژه تعمید.

۲. مصاحبه با آقای عبادی یکی از روحانیون صابئین مندایی خوزستان.

۳. صابئین، قوم همیشه زنده تاریخ، ص ۴۹.

متفاوت‌اند. تعمید زهریثا، برای زائو و کسانی است که برای اولین بار تعمید می‌شوند. همچنین این تعمید برای عروس و داماد، بعد از یک هفته از عروسی، ضرورت دارد. در این نوع تعمید، دو بوته بیشتر خوانده می‌شود، اما تعمید شومیثا، یک تعمید عادی است.^۱ کسانی که همسر یا مادرشان وضع حمل نموده باشد و هنوز یک ماه از آن نگذشته باشد، نمی‌توانند تعمید شوند، زیرا شخص وقتی پیمان زناشویی می‌بندد، نشمتهای (روانهای) آنها یکی می‌شوند. در مورد فرزندان زن زائو، چون ملوآشه^۲ فرزندان باملوآشه مادرشان خوانده می‌شود و مادر در حالت نزول از پاکی است، نمی‌توان نام آنان را بیان کرد. از این رو، این دو گروه نمی‌توانند تعمید شوند.^۳

موارد وجوب تعمید عبارت‌اند از:

۱. زنی که سی روز از زایمانش گذشته باشد. ۲. نوزاد بعد از گذشت سی روز از تولدش. اما عملاً این مورد را به تأخیر می‌اندازند تا کودک برای انجام تعمید در آب جاری، قدرت و توانایی کافی داشته باشد. ۳. عروس و داماد قبل از ازدواج که هر کدام باید دو بار تعمید شوند. ۴. عروس و داماد، یک هفته بعد از عروسی. ۵. برای کفاره برخی از اعمال خلاف شرع، تعمید ضروری است. ۶. هر حالالی بعد از حمل جنازه نیز موظف به انجام تعمید است.

ب. طماشه

این واژه به معنای غسل و آب‌کشی است. در واقع، غسل، نوعی طماشه کلی بدن است و آب‌کشی، طماشه جزئی از بدن که توسط خود فرد و بدون نیاز به روحانی انجام می‌گیرد. طماشه به علل متفاوتی بر فرد واجب می‌شود که عبارت‌اند از: ۱. بعد از نزدیکی. ۲. بعد از خروج منی از مردان. ۳. لمس کردن منی. ۴. بعد از عادت ماهیانه زنان. ۵. لمس میت. ۶. لمس زائو و نوازش او تا یک هفته بعد از زایمان. ۷. لمس زن و شوهر در هفته اول ازدواج. ۸. زائو یک هفته بعد از زایمان. ۹. در تمام اعیاد.

۱. همان، ص ۵۶.

۲. اسم دینی.

۳. صابین، قوم همیشه زنده تاریخ، ص ۴۹.

شخص در طمашه کلی، باید سه بار در آب جاری فرو رود و هر بار، بوته‌ای را قرائت کند. هم اکنون این کار با تسامح، زیر دوش آب که به نوعی آب جاری محسوب می‌شود، انجام می‌گردد.

طماشه جزئی، در دو حالت زیر لازم می‌شود:

الف. فرد یا شی، با ماده آلوده کننده‌ای تماس حاصل نماید. مواد آلوده کننده عبارت‌اند از: ۱. خون ۲. ادرار ۳. مدفوع ۴. پس مانده آبهایی که مورد استفاده قرار گرفته‌اند؛ مثل آب فاضلاب. ب. وقتی کسی یا چیزی را که حالت نازلی از نظر طهارت دارد، لمس کند. مثلاً لمس مادر و نوزاد در هفته اول زایمان و تولد، طماشه کامل دارد؛ ولی این لمس تا سی روز طماشه جزئی دارد. صابین متدین همیشه قبل از غذا، دستهایشان را طماشه می‌کنند. طماشه جزئی، به این ترتیب است که دست یا بخشی از بدن را که آلوده شده است یا شیء آلوده را سه بار در آب جاری فرو می‌برند یا با تسامح، زیر شیر آب می‌گیرند و هر بار، بوته‌ای قرائت می‌کنند.^۱

ج. رشامه (وضو)

یکی از مناسک طهارت و واجبات دین مندایی، رشامه یا وضوست که قبل از براخه (نماز) انجام می‌گیرد. با انجام رشامه، فرد به بالاترین درجه پاکی می‌رسد. این کار، برای سخن گفتن با خدا، لازم است و زمانی می‌توان رشامه را انجام داد که تعمید یا طماشه بر ذمه فرد نباشد. در واقع، پیش نیاز انجام رشامه، به جا آوردن تعمید است و طماشه درجای خود خواهد بود، زیرا هر نوع ناپاکی، چه در بدن و چه در لباس، باعث نقض رشامه می‌گردد. برای انجام رشامه، شخص ابتدا همپانه^۲ می‌بندد و بعد بر لب آب جاری می‌ایستد و بوته‌ای را که محتوایش ستایش خدا و آب جاری است، می‌خواند. بعد دستها را می‌شوید، سه بار صورت را می‌شوید و هر بار، بوته‌ای قرائت می‌کند. بعد با سرانگشتان دست راست، سه بار با آب، پیشانی را از راست به چپ مسح (رشمه) می‌کند.

۱. مصاحبه با آقای عبادی؛ صابین، قوم همیشه زنده تاریخ، ص ۴۹.

۲. همپانه: کمربندی از جنس پشم سفید است و به اندازه‌ای بافته می‌شود که به راحتی دو بار دور کمر بسته شود و یک سر آن رشته است و طرف دیگرش به صورت حلقه است.

بعد از آن، نوک انگشتان اشاره را در آب فرو می‌برد و تا گوش بالا می‌آورد و هر بار، بوته‌ای به این مضمون می‌خواند: گوشه‌هایم صدای خدا را شنیده‌اند. بعد با دست راست، یک کف آب برمی‌دارد، تا بینی بالا می‌آورد و سه بار تکرار می‌کند و این بوته را می‌خواند: بینی‌ام عطر خدا را استشمام کرده است.^۱ سپس با دست راست، به کف دست چپ آب می‌پاشد و باز با دست راست سه بار یک کف آب برمی‌دارد و مزمله می‌کند و هر بار، بوته‌ای قرائت می‌کند. بعد سه بار انگشتان اشاره را در آب فرو می‌برد، به زانوها اشاره می‌کند و همین عمل را با بوته‌های متفاوت انجام می‌دهد و به پاها اشاره می‌کند. بعد نوک انگشتان پای راست و سپس نوک انگشتان پای چپ را به همراه خواندن بوته‌ای به آب می‌زند.

رشامه (وضوی صابئین) با وضو در سنت اسلامی، شباهتهای زیادی دارد؛ مانند شستن دست و صورت، مسح پاها. اگر اعمالی مثل استنشاق و قرائت دعاها هنگام وضو را در نظر بگیریم، این شباهتها چشمگیر خواهد بود. شباهت این دو مجموعه از آداب طهارت، نشانگر مبنای توحیدی هر دو سنت است.

د. پراخه (نماز)

مندایان سه نوبت نماز را واجب می‌دانند: صبح، مقارن طلوع آفتاب؛ ظهر که در حوالی ظهر انجام می‌شود و عصر که بعد از ظهر خوانده می‌شود. البته این نمازها وقت دقیق و خاصی ندارند. آنان برای این کار، رو به سوی شمال می‌کنند و پراخه را که متشکل از بوته‌هایی است، قرائت می‌کنند. پراخه (نماز) آنان، منحصر در ذکر و قیام است و هر پراخه، با کلمه توحید آغاز می‌شود. در زبان محاوره‌ای، به جای رشامه و پراخه، از الفاظ وضو و نماز استفاده می‌شود و نیز کلمه مستحب و واجب، در اصطلاحات دینی آنان به کار می‌رود. و در واقع، این الفاظ از حوزه اسلامی وارد فرهنگ آنان شده‌اند.^۲ مندایان معتقدند نمازی که بر حضرت آدم(ع) واجب شد، هفت بار در روز بود؛ ولی در شریعت حضرت یحیی، این حکم نسخ شد و به سه بار در روز تقلیل یافت.

۱. تعمیدیان غریب، ص ۱۲۳ - ۱۲۶؛ تحقیقی در دین صابئین مندایی، ص ۱۰۶ - ۱۰۷.

۲. تعمیدیان غریب، ص ۲۶۳؛ مصاحبه با آقای عبادی.

نماز صابئین (برآخه) همچون نماز مسلمانان، دارای اذکار مقدسی است. در هنگام نماز، باید لباس نمازگزار پاک باشد. علاوه بر این، نمازگزار باید پا برهنه باشد و دستهایش را بالا برد، هفت مرتبه خدا را ستایش کند و ذات او را با نامهای نیکو بخواند. آنان در روز یکشنبه، در مندی (عبادتگاه) و یا یکی از منازل جمع می‌شوند و به ترتیب، نماز را در حضور شیخ بزرگ برگزار می‌نمایند. سن تکلیف در دین صابئین پانزده سالگی است و هر نوجوانی که به این مرحله برسد، باید عبادات را انجام دهد.^۱

ه. روزه

«یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم؛^۲ ای ایمان آورندگان! روزه بر شما واجب شد؛ همان طور که بر امتهای قبل از شما واجب شده بود.» از این آیه شریفه درمی‌یابیم که در تمام ادیان توحیدی قبل از اسلام، روزه واجب بود، اما کیفیت و مدت و ایام آن متفاوت بوده است.

صابئین مندایی در ایامی که آن را امبطل می‌نامند، مکلف به روزه هستند و روزه آنها بر دو نوع زیر است:

۱. روزه سنگین که ۸ روز است و در این ایام، از خوردن گوشت، ماهی و تخم مرغ در شبانه روز امساک می‌کنند.

۲. روزه سبک که ۲۴ روز است و در این ایام از انجام مناسک رسمی دینی، مثل تعمید، ازدواج و ذبح، خودداری می‌کنند.

در کتاب گزاربا چنین آمده است.

ایها المؤمنون بی، صوموا الصوم الکبیر صوم القلب و العقل و الضمیر لتصم عیونکم و افواهکم و ایدیکم. امسکوا قلوبکم عن الضغینة و الحسد و التفرقة. امسکوا ایدیکم عن القتل و السرقة. امسکوا اجسادکم عن معاشره ازدواج غیرکم فتلك هی النار المحرقة. امسکوا رکبکم عن السجود لشیطان و الاصنام الزیف. امسکوا ارجلکم عن السیر الی ما لیس لکم. انه

۱. صابئین، قوم همیشه زنده تاریخ، ص ۷۶.

۲. بقره، آیه ۱۸۳.

الصوم الكبير فلا تكسره حتى تفارقوا هذه الدنيا؛^۱ ای ایمان آورندگان به من! روزه بگیرید؛ روزه کبیر، روزه قلب، روزه عقل و روزه باطن؛ چشمها و دهانها و دستهای شما روزه باشند. دل‌هایتان را از کینه، حسد و تفرقه بازدارید. دست‌هایتان را از قتل و دزدی بازدارید. جسمتان را از آمیزش با زنان دیگران بازدارید که آن آتش سوزان است. زانوهایتان را از سجده بر شیطان و بت‌های ساختگی بازدارید. پاهایتان را از حرکت به سوی آن چیزی که مال شما نیست بازدارید. این، روزه کبیر است؛ پس آن را نشکنید تا از این دنیا جدا شوید.

جدول ایام روزه منداییان

تاریخ مندایی	تعداد ایام	معادل تقریبی هجری شمسی	نوع روزه	توضیحات
۱-۵ دولا	۵ روز	حدود ۳۱ تیر - ۴ مرداد	سبک	روز اول شامل عید دهورا یا عید بزرگ است
۶-۷ دولا	۲ روز	حدود ۵-۶ مرداد	سنگین	
۸-۱۴ دولا	۷ روز	حدود ۷-۱۳ مرداد	سبک	
۲۲ دولا	۱ روز	حدود ۲۲ مرداد	سبک	
۲۵ تونا	۱ روز	حدود ۲۳ شهریور	سبک	
۱-۴ تورا	۴ روز	حدود ۲۸ مهر - ۱ آبان	سبک	
۹ سرطانا	۱ روز	حدود ۶ دی	سبک	
۱۵ سرطانا	۱ روز	حدود ۱۲ دی	سبک	
۲۳ سرطانا	۱ روز	حدود ۲۰ دی	سبک	
شمبلتا	۵ روز	حدود ۲۳ - ۲۷ اسفند	سنگین	۵ روز پیش از ایام پنجه
۲۰ قینا	۱ روز	حدود ۴ فروردین	سبک	روز بعد از ایام پنجه
۲۰ قینا	۱ روز	حدود ۳ خرداد	سنگین	روز بعد از دهورا دیمانه عید میلاد یحیی
۲۸-۲۹ گدیا	۲ روز	حدود ۲۸ - ۲۹ تیر	سبک	

۱. گزاره، کتاب مقدس صابئین، بخش یمین، تسبیح ثانی (بخش سوم).

و. ازدواج

یکی از دستوره‌های دینی منداییان، ازدواج است که کار بسیار مطلوبی دانسته شده است. کسی که ازدواج نکند، وارد بهشت نمی‌شود. دیانت مندایی، منداییان را از عزوبت نهی کرده و توصیه به ازدواج نموده است. یک نفر روحانی مندایی، از درجه ترمیده به درجه گنزورا ارتقا نمی‌یابد؛ مگر اینکه ازدواج کند. ازدواج در دین مندایی، مراسمی خاص و طولانی دارد و باید با حضور روحانیون و شهود و طبق مراسم ویژه‌ای انجام گیرد.

این مراسم در روز یکشنبه آغاز می‌شود و عروس و داماد، هر کدام دو بار، توسط روحانی تعمید می‌شوند. این توالی تعمید قبل از ازدواج، دلالت بر نیاز شدید به طهارت برای این مراسم دارد که متناسب با اهمیت ازدواج و تولید مثل است. عروس و داماد باید مناسک را با لباس رسمی دینی، یعنی رسته انجام دهند. بعد از تعمید که در کنار رودخانه انجام می‌شود، عروس و داماد به محل اجرای مراسم ازدواج که معمولاً مندی (عبادتگاه) است، می‌روند.

برای اجرای خطبه ازدواج، حضور یک گنزورا و دو ترمیدا، ضروری است. این مراسم، مشتمل بر پیمان گرفتن از عروس و داماد، خوردن غذای مشترک آیینی و رد و بدل کردن آیینی بعضی هدایاست. برای این کار، ابتدا ترمیدایی وارد حجره عروس می‌شود و هدایای آیینی داماد را به عروس می‌دهد. این هدایا، شامل دو انگشتر، یکی با نگین سبز و دیگری با نگین قرمز و مقداری خشکبار است. عروس باید انگشترها را در دست کند و بعد از طماشه دست، از خشکبار بخورد و مفهوم این کار، اعلام رضایت عروس است. سپس ترمیدا نزد گنزورا می‌آید و رضایت وی را اعلام می‌دارد.

سپس گنزورا و داماد، بیرون اشختنا^۱ و جلوی در آن قرار می‌گیرند و داماد، شال گنزورا را در دست می‌گیرد، سمت چپ او می‌ایستد و گنزورا، بوته‌هایی می‌خواند و با اشاره او، کوزه‌ای به زمین زده و شکسته می‌شود. به این ترتیب، شروع مراسم ازدواج اعلام می‌شود که با هلهله و شادی حضار همراه است.

به همین ترتیب، ادامه بوته‌ها توسط گنزورا و دو ترمیدا انجام می‌شود و یک اشکندا، نایب عروس می‌شود و با داماد عهد می‌بندد و خوراکیهایی که طبق آیین سنتی درست می‌کنند و

۱. سازه‌ای نمادین و به شکل اتاقکی چهارگوش است که برای استقرار عروس و معمولاً از نی ساخته می‌شود.

یک لقمه به عروس و داماد می‌دهند. بعد داماد و گنزورا و یک ترمیدا، وارد اتاق عروس می‌شوند و بوته‌هایی توسط گنزورا خوانده می‌شود و با اشاره گنزورا، دوباره کوزه‌ای را به زمین می‌زنند و می‌شکنند. این کار، به نوعی اعلام ورود داماد به حجره عروس است. بعد از قرائت بوته‌هایی، سرهای آنان را به هم می‌زنند و برگ گلها را بر سر عروس و داماد می‌ریزند.

پس از آن، داماد و گنزورا و ترمیدا از اتاق خارج می‌شوند و وارد «اشختتا» می‌شوند و با قرائت بوته‌هایی، مرگنه یا عصای روحانیون را دور سر داماد می‌چرخانند و به این ترتیب، عقد ازدواج رسمیت می‌یابد.^۱

بعد از مراسم ازدواج، زوجین به عنوان زوج رسمی شناخته می‌شوند و بعد از یک هفته که در حالت صرثا^۲ قرار دارند، در اولین یک‌شنبه بعد از ازدواج، تعمید صورت می‌گیرد. همچنین ظروف و جواهراتی که به آنها دست زده‌اند نیز تعمید می‌شوند. مراسم ازدواج، بعد از یک هفته پایان می‌پذیرد.

محارم از دیدگاه منداییان

صائبین مندایی، ازدواج با این افراد را حرام می‌دانند:

۱. خواهر و برادر ۲. عمه و خاله ۳. دایی و عمو ۴. پدربزرگ و مادربزرگ ۵. برادرزاده و خواهرزاده ۶. خواهران و برادران تنی و ناتنی ۷. خواهر زن تا قبل از مرگ زن ۸. برادر شوهر، حتی بعد از مرگ شوهر. همچنین ازدواج با غیر مندایی نیز از نظر آنان حرام است^۳ و تنها با شرایط خاصی، ازدواج با مسیحیان اجازه داده شده است.

ز. طلاق

در دین مندایی، صیغه‌ای به نام طلاق وجود ندارد و از نظر منداییان، طلاق عملی حرام و باطل است؛ زیرا کتاب مقدس، راه ازدواج را عشق و محبت قرار داده است و هر ازدواجی با عشق و محبت باشد، به طلاق منتهی نمی‌شود. البته جدایی هست و تا زمانی که زن با مرد

۱. مصاحبه با آقای عبادی.

۲. صرثا حالت نازل طهارت است که لمس آنان طماشه را لازم می‌سازد.

۳. مصاحبه با آقای عبادی.

دیگری ازدواج نکرده باشد، آنان هنوز زن و شوهر هستند. اما امروزه این مشکل بین منداپیان از طریق قوانین مدنی انجام می‌شود. به طور کلی، عمده‌ترین مشکلاتی که به طلاق می‌انجامد، عبارت‌اند از: خیانت، دزدی، دروغ و نیز برقراری ارتباط نامشروع. البته اگر فرد خطاکار توبه کند و راه صلاح پیش گیرد، می‌توان از طلاق پرهیز کرد؛ زیرا خداوند، آمرزنده است.^۱ در کتاب مقدس (گنزاریا) چنین آمده است:

کسی که گناهی مرتکب شود، سپس به آگاهی برسد و توبه کند، پس خداوند، آمرزنده و مهربان است: «من اخطأ ثم تاب ثم الی رشفه تاب فان الله غفور رحیم». «هو ملک النور الحنان التواب الکریم».^۲

با این حال، در مواردی بر اثر عدم سازش زن و مرد، طلاق انجام می‌شود.

ح. ذبح

منداپیان برای حیوانات اهمیت خاصی قائل‌اند و ذبح آنها را در مراسم ویژه‌ای انجام می‌دهند. و ذبح و ذبیح کننده، هر دو باید خلقتی کامل داشته باشند و هیچ نقص عضوی نداشته باشند و باید دارای همان کمالی باشند که نخستین انسان و نخستین حیوانات، با آن خلق شدند. ذبح کننده باید رسته^۳ بپوشد و کارد مخصوصی را که کاملاً فلزی است، در آتش بگدازد، تا آلودگی‌هایش رفع شود. حیوانات حلال گوشت نزد منداپیان، شامل پرندگان و ماهیهای غیر گوشت‌خوار هستند. قاعده شرعی آنها برای حلال بودن، نداشتن مو و دم در حیوانات و داشتن فلس در ماهیهاست و فقط گوسفند نر استثنا شده که توجیه عرفی و اجمالی آنان این است که مو ندارد و دم هم ندارد، بلکه پشم و دنبه دارد. ذبح گوسفند ماده، ممنوع است، چون در کتاب مقدس آمده است: حیواناتی را که بارور می‌شوند، ذبح نکنید.

حیوان ذبح شده، در مدت ذبح، به هیچ وجه، نباید بر روی زمین قرار گیرد. اگر چنین شد، گوشت حیوان حرام می‌شود. حتی گوسفند را در هنگام ذبح، بر روی کرسی یا مقداری شاخ و

۱. صابین، قوم همیشه زنده تاریخ، ص ۶۶

۲. گنزاریا، کتاب یمین، تسبیح ثانی، بوئه ۱۱۸ - ۱۱۹.

۳. رسته، لباس دینی منداپیان است.

برگ درخت قرار می‌دهند تا به زمین نرسد. این حالت تا جان دادن کامل حیوان لازم است. عمل ذبح را یک اشکندا انجام می‌دهد، در حالی که اشکندای دیگر، به عنوان شاهد، بر کار او نظارت می‌کند و بر صحت ذبح گواهی می‌دهد. پس از ذبح، دستها و کارد ذبح را باید در آب جاری تطهیر کنند و بوته‌ای مخصوص قرائت کنند.^۱

ط. ارث

در تقسیم ارث، شرط است که وارث صابئی باشد و اگر از دین صابئه عدول کرد، از ارث محروم می‌شود. پسر و دختر به طور مساوی ارث می‌برند؛ البته در صورتی که دختر مجرد باشد. اما اگر دختر ازدواج کرده باشد، نصف سهم پسر ارث می‌برد. مادر یک سهم، معادل یک پسر ارث می‌برد. وصیت کردن در ارث اشکال ندارد؛ به شرط اینکه موصی مقداری از ثروتش را بدون منت به فقرا و نیازمندان انفاق کرده باشد. اما در صورت بروز اختلاف، اگر در میان خودشان اختلاف رفع شد، به همان، قوانین صابئین عمل می‌شود، ولی اگر اختلاف به مراجع قضایی کشیده شد، طبق قوانین مدنی حکومت اسلامی عمل می‌شود.^۲

ی. محرمات

در دین صابئین مندایی نیز محرماتی وجود دارد که ارتکاب آنها، کیفیهایی را به دنبال دارد و گاهی به گونه‌ای است که طرد فرد مرتکب را از جامعه مندایی نیز به دنبال دارد. مهم‌ترین محرمات نزد صابئین مندایی عبارت‌اند از:

۱. قتل نفس: در کتاب مقدس چنین آمده است: «امسکوا ایدیکم عن القتل و السرقة»^۳ دست‌هایتان را از قتل و دزدی باز دارید. قتل عمد، یکی از بزرگ‌ترین و بدترین گناهان در نزد منداییان به شمار می‌رود. براساس کتابهای مقدس منداییان، کسی که مرتکب قتل عمد شود، به طور کلی باید از جامعه مندایی طرد شود و او دیگر مندایی به حساب نمی‌آید. همچنین آنان از گرفتن جان موجودات زنده برحذر داشته شده‌اند. هر فرد مندایی حتی بعد از ذبح هر پرنده و

۱. مصاحبه با آقای عبادی.

۲. همان.

۳. گزاره، کتاب یمین، تسبیح ثانی.

حیوانی که خداوند کشتن آن را حلال کرده، موظف به قرائت بوته‌هایی، به عنوان استغفار است.
 ۲. زنا: در کتاب مقدس چنین آمده است: «امسکا اجسادکم عن معاشره ازواج غیرکم فتلک هی النار المحرقة»^۱ بدنهایتان را از آمیزش با زنان دیگران باز دارید؛ پس این آتشی سوزان است.» کتاب در جای دیگری، مردان و زنان را از ارتکاب به زنا منع کرده و کیفر آن را در آخرت، آتش سوزان بیان نموده است.^۲

۳. دروغ‌گویی: در کتاب مقدس چنین آمده است «نزهوا افواهکم عن الکذب والزیف لاتقربوه؛ زبانهای خود را از دروغ و تقلب پاک کنید و نزدیک آن نشوید.»^۳ دروغ گفتن از کارهای ناپسند است و در دین مندایی دستور به پرهیز از آن داده شده است. به آنان سفارش شده است: هیچ‌گاه خویش را به کارهایی از قبیل دروغ گفتن، سخن‌چینی، تقلب و نفاق آلوده نسازید.

۴. مصرف مسکرات: تمام مواد و نوشیدنیهای مست‌کننده، مانند شراب و... در دین مندایی حرام است.

۵. رباخواری: ربا و رباخواری، حرام است و هر کس مرتکب آن شود، در آتش گداخته قرار خواهد گرفت. در کتاب مقدس آمده است: «لا تاکلوا مال الربا؛ مال ربوی نخورید.»^۴

۶. خوردن گوشت گاو، شتر، اسب و بعضی حیوانات دیگر و تمام حیوانات درنده، حرام اعلام شده است.

۷. ازدواج با محارم: ازدواج با خواهر، برادر، عمه، خاله، دایی، عمو، پدربزرگ، مادربزرگ، برادرزاده، خواهرزاده، خواهران و برادران تنی و ناتنی، خواهر زن تا قبل از مرگ زن و برادر شوهر، حتی بعد از مرگ شوهر، حرام است.^۵

۸. سحر و جادو: انجام دهندگان این عمل، به شدیدترین مجازاتها محکوم می‌شوند.

۹. زدن موی صورت برای مردان.

۱. همان.

۲. همان، بوته ۱۹۴.

۳. همان.

۴. همان، تسبیح ثانی.

۵. مصاحبه با آقای عبادی.

۱۰. ختنه کردن: هر کاری که دخالت در خلقت اولیه انسان باشد، حرام است؛ مانند خال کوبی. صابئین معتقدند که حضرت ابراهیم(ع) به خاطر ابتلا به پیسی، مجبور شد خود را ختنه کند و همین امر باعث نقص او شد.

س. زکات و صدقات

اغرا و زدقا (زکات و صدقات)، از واجبات دینی صابئین مندایی‌اند و در کتابهای مقدس آنان، به عنوان توشه سفر آخرت مطرح شده‌اند. خداوند در مورد خیرات دادن می‌فرماید: هر کس در زندگی خود خیرات ندهد، اگر تمام اعمال دینی خود را به انجام رساند، در مورد ندادن خیرات، مورد بازخواست قرار خواهد گرفت.

در مورد صدقه، حد معینی برای پرداخت ذکر نشده است و در حد توان، باید به نیازمندان کمک کرد. اما در مورد زکات در کتاب مقدس چنین آمده است: از درآمدتان، مایحتاج خود را بردارید و بقیه آن را در صندوقی قرار دهید و به‌مندی (عبادتگاه) تحویل دهید. اکنون عملاً کسی مقید به این حکم نیست و رهبران مذهبی آنان در صدد تدوین قانونی هستند که همه را مکلف به پرداخت زکات نماید.^۱ اکنون به بررسی جایگاه صابئان در فقه شیعه می‌پردازیم.

آیا صابئین اهل کتاب‌اند؟

یکی از موضوعات مهم پیرامون صابئین و دیگر فرقه‌ها و نحله‌هایی که در جامعه اسلامی زندگی می‌کنند، موضوع کتابی بودن آنان است. هر کدام از این فرقه‌ها که اهل کتاب باشند، به عنوان اهل ذمه در سایه حکومت اسلامی زندگی می‌کنند و از آنان جزیه دریافت می‌شود. در مورد یهود و نصارا، فقیهان شیعه و سنی اجماع دارند که آنان اهل کتاب‌اند و با پرداخته جزیه می‌توانند در سایه حکومت اسلامی زندگی کنند. علاوه بر این دو گروه، زرتشتیان یا مجوسیان نیز شبهه کتابی بودن دارند. از این رو، اغلب قریب به اتفاق فقیهان شیعه، آنان را نیز اهل کتاب می‌دانند.

شیخ طوسی در کتاب النهایة چنین نوشته است:

۱. همان.

کل من خالف الاسلام من سائر اصناف الكفار يجب مجاهدتهم و قتالهم غير انهم ينقسمون قسمين: قسم لا يقبل منهم الا الاسلام و الدخول فيه أو يقتلون و سبى ذراريهم و تؤخذ اموالهم و هم جميع الكفار الا اليهود و النصرى و المجوس؛^۱ هر کدام از گروههای کفار مخالف اسلام، جهاد با آنان و کشتن آنان، واجب است؛ جز اینکه آنان به دو گروه تقسیم می‌شوند؛ گروهی که جز پذیرش اسلام و داخل شدن در زمره مسلمانان، از آنان پذیرفته نیست یا اینکه کشته می‌شوند و زن و فرزندان آنها اسیر می‌شوند و اموال آنها گرفته می‌شود و آنان، تمام کفار هستند؛ جز یهود و نصارا و مجوس.

صاحب جواهر نیز بعد از بیان اخذ جزیه از یهود و نصارا می‌نویسد:

و کذا من له شبهة کتاب و هم المجوس.

سپس چنین اضافه می‌کند:

و نعى بالكتاب من له كتاب حقيقة و هم اليهود و النصرى و من له شبهة كتاب و هم المجوس فتؤخذ الجزية من هؤلاء الاصناف الثلاثة؛^۲ و مقصود ما از اهل کتاب، کسانی هستند که در حقیقت، دارای کتاب [آسمانی] هستند و آنان یهود و نصارا و کسان دیگری هستند که شبهه کتابی بودن دارند و آنان مجوسیان هستند. بنابراین، از این سه گروه، جزیه گرفته می‌شود.

بنابراین، در اهل ذمه بودن این سه گروه، تقریباً اختلافی نیست. دیدگاهها اما پیرامون صابئین، متفاوت است. برخی آنان را اهل کتاب می‌دانند و گروهی معتقدند که شبهه کتابی بودن دارند، اما اکثر فقیهان، به ویژه متقدمان، آنان را از اهل کتاب به حساب نمی‌آورند.

شیخ مفید در کتاب المقتعة چنین می‌نویسد:

فاما الصابئون فمفردون بمذاهبهم ممن عددناه لان جمهورهم يوحد الصانع فى الازل و منهم من يجعل معه هيوولى فى القدم صنع منها العالم

۱. النهاية، شیخ طوسی، ص ۲۹۱ - ۲۹۲.

۲. جواهر الکلام، شیخ محمد حسن نجفی، ج ۲۱، ص ۲۲۸.

فكانت عندهم الاصل و يعتقدون فى الفلك و ما فيه الحياة و النطق و أنه المدبر لها فى هذا العالم و الدال عليه و عظموا الكواكب و عبدوها من دون الله عزوجل و سماها بعضهم ملائكة و جعلها بعضهم آلهة و بنوا لها بيوتاً للعبادات و هولاء على طريق القياس الى مشركى العرب و عباد الاوثان اقرب من المجوس لانهم وجهوا عبادتهم الى غير الله سبحانه فى التحقيق و القصد و الضمير و سماوا من عداه من خلقه باسمائه جل عما يقولون؛^۱ اما صابئين، مذهبی مخصوص به خود و متمایز از مذاهب یاد شده (یهود، نصارا و زرتشتیان) دارند، زیرا بیشتر آنان به توحید ازلی پروردگار جهان معتقدند. اما برخی از آنان هیولی [ماده نخستین] را چون خداوند، قدیم می‌دانند و جهان را پدید آمده از آن می‌دانند و نزد آنان، هیولی، مبدأ نخست جهان است. آنان معتقدند که فلک و موجودات آن از حیات و توان نطق برخوردارند و فلک، تدبیر و راهنمایی جهان را بر عهده دارد و آنها را عبادت می‌کنند. برخی از آنان ستارگان را فرشتگان و برخی خدا می‌دانند و برای آنان معابدی بنا می‌کنند. از این رو، صابئان به مشرکان عرب و پرستش کنندگان بت نزدیک‌ترند تا به مجوسیان، زیرا آنان غیر خداوند را پرستش می‌کنند؛ هم در باطن و هم در ظاهر و رفتار و اعمال. آنان آفریده خداوند را به نامها و صفات مخصوص او می‌ستایند. خداوند از آنچه [این یاوه‌گویان] می‌گویند، برتر است.

این نظر شیخ مفید از حیث کبرای قضیه صحیح است، اما صغرای او کامل نیست؛ زیرا همان گونه که در بحث عقاید و تعالیم صابئین بیان شد، این عقاید به برخی از صابئین اختصاص دارد که از آنان با عنوان صابئین حرانی یاد می‌شود. این گروه هستند که معابدی به نام هیکل در نقاط مختلف ساخته‌اند. مسعودی در مروج الذهب از هیکلهای مختلف صابئین حرانی نام برده است.^۲ دیگر صابئین و به ویژه صابئین مندابی، چنین اعتقادی ندارند.

۱. المقنعة، شیخ مفید، ص ۲۹۱ - ۲۹۲.

۲. مروج الذهب، مسعودی، ج ۲، ص ۲۳۳.

شیخ مفید خود در ابتدای همین عبارت می‌نویسد: «لأنَّ جمهورهم يوحد الصانع في الازل؛ اکثر آنان به توحید ازلی پروردگار معتقدند.» او از گروه غیر موحد، با لفظ «منهم؛ برخی از آنان»، تعبیر می‌کند. بنابراین، گروه زیادی از صابئین، مصداق این سخن شیخ مفید نیستند. شیخ طوسی در المبسوط چنین نوشته است:

والكفار على ضربين: ضرب يجوز أن تؤخذ منهم الجزية و الآخر لا يجوز ذلك فالاول هم الثلاثة الاصناف اليهود و النصارى و المجوس فاما من عدا هولاء من سائر الاديان من عباد الاوثان و عباد الكواكب من الصابئة و غير هم فلا تؤخذ منهم الجزية عربياً كان أو عجمياً؛^۱ کافران دو نوع‌اند، نوعی که جایز است از آنان جزیه گرفته شود و نوعی که جزیه گرفتن از آنان جایز نیست. نوع اول همان سه گروه یهود، نصارا و مجوس هستند و غیر از اینان از دیگر ادیان، بت‌پرستان و ستاره پرستان از صابئین و غیر اینها هستند. پس از اینان جزیه گرفته نمی‌شود؛ خواه عربی باشند و خواه عجمی. در این عبارت نیز مقصود از صابئین، همان صابئنی حرانی و ستاره پرست است، زیرا با صفت بت‌پرستی و ستاره پرستی از آنان یاد شده است. وی در کتاب الخلاف این بحث را به صورت مستدل مطرح کرده و چنین نوشته است:

الصابئة لا يؤخذ منهم الجزية و لا يقرون على دينهم و به قال ابوسعيد الاصطخري و قال باقى الفقهاء: انه يؤخذ منهم الجزية. دليلنا اجماع الفرقة و اخبارهم و ايضاً قوله تعالى «فاقتلوا المشركين» و «فاذا لقيتم الذين كفروا» و لم يأمر باخذ الجزية منهم و ايضاً قوله تعالى «فاقتلوا الذين لا يؤمنون». فشرط فى أخذ الجزية ان يكونوا من اهل الكتاب و هولاء ليسوا من اهل الكتاب؛^۲

از صابئین جزیه گرفته نمی‌شود و آنان در آیین خویش آزاد و رها نیستند همین مطلب را ابوسعید اصطخری [از فقیهان اهل سنت] گفته است؛ اما

۱. المبسوط، شیخ طوسی، ج ۲، ص ۳۶.

۲. الخلاف، شیخ طوسی، ج ۵، ص ۵۴۲ - ۵۴۳.

دیگر فقیهان آنها می‌گویند که از ایشان جزیه گرفته می‌شود. دلیل ما [امامیه] اجماع فقیهان شیعه و روایات و نیز قول خداوند متعال است: «مشرکان را بکشید» و «وقتی با کافران رو به رو شدید... [گردنهایشان را بزنید]». به جزیه گرفتن از آنان، فرمان داده نشده است. و نیز قول خداوند متعال که می‌فرماید: «با کسانی که ایمان ندارند، جنگ کنید.» پس در گرفتن جزیه شرط شده است که [کافران] از اهل کتاب باشند و اینان [صابئین] از اهل کتاب نیستند.

شیخ طوسی در این موضوع، به سه دلیل اجماع، روایات و آیات استناد کرده است. در مورد دلیل اول وی، یعنی اجماع، باید گفت که این مسئله اجماعی نیست، زیرا در این مسئله مخالف وجود دارد. صاحب جواهر در کتاب جهاد چنین نوشته است:

و اما الصابئین فعن ابن الجنید التصريح باخذ الجزية منهم و الاقرار علی دینهم و لا بأس به ان كانوا من احدى الفرق الثلاث؛^۱ اما درباره صابئین، ابن جنید تصریح کرده است که از آنان جزیه گرفته می‌شود و بر دینشان باقی گذاشته می‌شوند و در صورتی که آنان جزء یکی از گروههای سه‌گانه [یهود، نصارا و مجوس] باشند، [اخذ جزیه از آنها] اشکالی ندارد.

بنابراین، ابن جنید قائل به جزیه گرفته از صابئین است و این امر، متوقف بر اهل کتاب بودن آنان است و در نتیجه، اجماع محقق نمی‌شود.

دلیل دوم شیخ طوسی روایات است. ظاهراً مقصود وی از روایات، روایاتی است که در آنها تصریح به عدم قبول جزیه از کفار و مشرکان شده است؛ زیرا درباره صابئین تنها یک روایت یافت شده است. در این روایت که طریحی از امام صادق (ع) نقل کرده، آمده است: صابئین را به این نام نامیدند، زیرا آنها به تعطیل شرایع و پیامبران، میل کردند و گفتند: هر چه پیامبران آورده‌اند، باطل است.^۲

این روایت در هیچ مجموعه‌ی روایی یافت نشده و یک روایت مرسل است و بنابراین، قابل

۱. جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۲۳۰.

۲. مجمع البحرین، ج ۱، ص ۵۹.

استدلال نیست. همان گونه که بیان شد، ظاهراً مقصود شیخ طوسی، روایاتی است که در آنها تصریح به عدم قبول جزیه از کفار و مشرکان شده است که در این صورت، این روایات، تفسیر و یا تأیید مضمون همان آیات‌اند.

دلیل سوم شیخ طوسی، آیات است که اکنون به بررسی آنها می‌پردازیم. در آیه اول مورد استدلال وی، چنین آمده است:

فاذا انسلخ الاشهر الحرم فاقتلوا المشركين حيث وجدتموهم...^۱ وقتی ماههای حرام به پایان رسیدند، مشرکان را هر کجا یافتید، به قتل برسانید. در آیه دوم چنین آمده است:

فاذا لقيتم الذين كفروا فضرب الرقاب حتى اذا اثخنتموهم فشدوا الوثاق فاما مناً بعد و اما فداءً؛^۲ هنگامی که با کافران رو به رو شدید، گردنهایشان را بزنید تا به اندازه کافی، دشمن را در هم بکوید. در این هنگام، اسیران را محکم ببندید؛ سپس بر آنان منت بگذارید و [آزادشان کنید] یا در برابر آزادی، از آنان، فدیة [غرامت] بگیرید.

در آیه سوم که به آیه جزیه معروف است، چنین آمده است:

قاتلوا الذين لا يؤمنون بالله و باليوم الآخر و لا يحرمون ما حرم الله و رسوله و لا يدينون دين الحق من الذين اوتوا الكتاب حتى يعطوا الجزية عن يد و هم صاغرون؛^۳ با کسانی از اهل کتاب که نه به خدا و نه به روز جزا ایمان دارند و نه آنچه را خداوند و رسولش تحریم کرده، حرام می‌شمرند و نه آیین حق را می‌پذیرند، پیکار کنید؛ تا زمانی که با خصوع و تسلیم، جزیه بپردازند و آنان سرفکندگان‌اند.

استدلال شیخ طوسی به این آیات بر این مبناست که با مشرکان و کافران و افراد بی‌ایمان، باید جنگید و آنان را به قتل رساند؛ مگر افرادی را که خداوند به جزیه گرفتن از آنان، فرمان

۱. توبه، آیه ۵.

۲. محمد، آیه ۴.

۳. توبه، آیه ۲۹.

داده است. اینان نیز یهود و نصارا و مجوس‌اند و درباره صابئین چنین دستوری نیامده است. بنابراین، در آیه اول و دوم، خداوند فرمان به جنگ و نبرد با مشرکان و کافران و در آیه سوم، فرمان به جنگ با افراد بی‌ایمان داده و افرادی را استثنا کرده که جزیه گرفتن از آنان کافی است و آنان اهل کتاب [یهود و نصارا و مجوس] می‌باشند.

پس استدلال بر دو مقدمه و پایه قرار دارد: ۱. از غیر اهل کتاب نمی‌توان جزیه گرفت. ۲. صابئین اهل کتاب نیستند. اینکه از غیر اهل کتاب نمی‌توان جزیه گرفت، سخن صحیحی است و بحثی در آن نیست. اکنون به بررسی مقدمه دوم می‌پردازیم؛ که صابئین اهل کتاب نیستند.

اهل کتاب

اهل کتاب چه کسانی هستند؟ قول مشهور آن است که مقصود از «الکتاب» در قرآن و به ویژه در آیه جزیه، تورات و انجیل است و از این جهت، اهل کتاب، یهود و نصارا هستند. صاحب جواهر می‌نویسد:

ان المنساق من الكتاب في القرآن العظيم التوراة و الانجيل بل عن المنتهي الاجماع على أن اللام للعهد اليهما في قوله تعالى «قاتلوا الذين لا يؤمنون بالله - الى قوله - من الذين اوتوا الكتاب حتى يعطوا الجزية عن يدهم صاغرون»؛^۱ همانا متبادر از «الکتاب» در قرآن عظیم، تورات و انجیل است؛ بلکه از المنتهی درباره اینکه «ال» در قول خداوند تعالی: «قاتلوا الذين...» [آیه جزیه] برای عهد (اشاره به این دو) است، اجماع نقل شده است.

آیت‌الله خامنه‌ای درباره این استدلال چنین می‌فرماید:

هر چند عنوان اهل کتاب در قرآن کریم، بعید نیست که مراد از آن، یهود و نصارا باشد، اما عنوان «الکتاب» در آیات قرآنی، اگر در چنان همایش و ترکیب قرار نگیرد و قرینه‌ای تعیین کننده هم در کار نباشد، نه تورات و انجیل و نه کتاب دیگری از کتابهای پیامبران پیشین را نمی‌رساند؛ بلکه هر چه را از ملکوت بر پیامبران الاهی وحی شده باشد، مراد از آن خواهد

۱. جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۲۳۲.

بود؛ بدون آنکه ویژه و یا اشاره به کتاب خاصی باشد. این نکته، چیزی است که کاوش و تأمل در آیات گوناگون، گواه آن است. بنابراین، «الکتاب» در آیهٔ جزیه، فراگیرتر از تورات و انجیل است و گواه بر مقید بودن به آن دو، وجود ندارد؛ بلکه شاید بتوان گفت که محدود به آن نیست؛ زیرا به اجماع امت اسلامی و نیز روایاتی که مجوس را دارای کتاب معرفی می‌کند، واژهٔ «الکتاب»، مجوسیان را هم فرا می‌گیرد. همچنین روشن می‌شود که دلیلی بر مقید بودن «الکتاب» به کتابهای آسمانی که دین جدیدی ابلاغ کرده‌اند، وجود ندارد؛ زیرا کتاب مجوسیان، در زمرهٔ ادیان شریعت‌آور و پیامبر ایشان، در زمرهٔ پیامبران اول‌العزم نبود. بنابراین، اطلاق الکتاب هر کتاب آسمانی را در بر خواهد گرفت.

مراد از «الکتاب» در یاد کردن پیامبران و ادیان الهی، همان مرز جداسازی فکری، اعتقادی و عملی میان ایمان و کفر است. کتاب الهی، همان است که انسانها و تجمعات انسانی را از اسارت آیینهای بشری و خود ساخته، مانند پرستش بتان و خدایگان الهی، آزاد می‌کند و آنان را به سوی آیین الهی، فرا می‌خواند.

بنابراین، همان صحیفهٔ خداوندی است که شناخت خداوند و حقایقی را که کتابهای آسمانی عهده‌دار توضیح و تبیین آن شده‌اند، در بر دارد؛ معارفی که نقطهٔ مقابل الحاد و شرک و بت‌پرستی است و این نکته، محتوایی عمومی در تمامی کتابهای آسمانی است. خداوند می‌فرماید: «و منهم امیون لا یعلمون الکتاب...»^۱ و «و قل للذین اتوا الکتاب و الامیین ءاسلمتم...»^۲ در این آیات، «الکتاب» در مقابل امی بودن قرار داده شده است که همان پرسش بت می‌باشد و خداوند فرمود: «ما یود الذین کفروا من اهل الکتاب و لا المشرکین...»^۳ در این آیه، «الکتاب» در مقابل شرک قرار گرفته است

۱. بقره، آیهٔ ۷۸.

۲. آل عمران، آیهٔ ۲۰.

۳. بقره، آیهٔ ۱۰۵.

و نیز فرمود: «كان الناس امة واحدة فبعث الله النبيين مبشرين و منذرين...»^۱ در این آیه، خداوند «کتاب» را مشخصه نبوت و مرجع دین باوران در اختلافاتشان دانسته است و روشن می نماید که این ویژگی، توصیفی فراگیر برای کتابهای الهی است.^۲

بنابراین، مجوسیان نیز ملحق به یهود و نصارا هستند، زیرا دارای کتاب آسمانی بوده اند و اگر «الکتاب» را منحصر به تورات و انجیل بدانیم، شامل این گروه نخواهد شد. در روایات نیز تصریح شده است که مجوسیان (زرتشتیان) دارای کتاب آسمانی بوده اند. علی(ع) فرموده است:

المجوس انما الحقوا باليهود و النصارى فى الجزية و الديات لانه قد كان لهم فيما مضى كتاب؛^۳ مجوس در جزیه و دیه، به یهود و نصارا ملحق می شوند، زیرا آنان در گذشته، دارای کتاب بوده اند.

عن الاصبغ بن نباته: أن علياً عليه السلام قال على المنبر: سلونى قبل أن تفقدونى. فقام اليه الاشعث. فقال يا اميرالمؤمنين! كيف يوخذ الجزية من المجوس و لم ينزل عليهم كتاب و لم يبعث اليهم نبي؟ فقال بلى يا اشعث. قد انزل الله عليهم كتاباً و بعث اليهم نبياً؛^۴ از اصبع بن نباته نقل شده که امام علی(ع) بر منبر فرمود: از من سؤال کنید؛ قبل از آنکه مرا از دست بدهید. اشعث گفت: ای امیرمؤمنان! چگونه از مجوسیان جزیه گرفته می شود؛ در حالی که کتابی بر آنان نازل نشده است و پیامبری به سويشان برانگیخته نشده است؟ امام(ع) فرمود: ای اشعث! به تحقیق که خدا بر آنان کتابی نازل فرموده و پیامبری به سويشان برانگیخته است.

بنابراین، «الکتاب» هر نوع کتاب آسمانی را شامل می شود و منحصر به تورات و انجیل

۱. همان، آیه ۲۱۳.

۲. سایت آیت الله خامنه ای www.Khamenei.ir.

۳. وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۱، ص ۹۸.

۴. همان.

نیست. پس مجوسیان نیز اهل کتاب‌اند و از آنان جزیه دریافت می‌شود. «الکتاب» هر کتاب آسمانی و مقصود از آن مرزبندی بین ادیان الاهی و ادیان ساختگی بشری است. اما اینکه در تاریخ صدر اسلام و روایات، بحثی از صابئین به میان نیامده، همان گونه که در بحث تاریخ صابئین ذکر شد، به این دلیل است که آنان قومی آرام، منزوی و صلح‌طلب هستند و دین آنها دینی صرفاً عبادی و غیر تبشیری است. از این جهت، آنان هیچ گونه مانعی بر سر راه تبلیغ و گسترش اسلام و حتی دیگر ادیان ایجاد نمی‌کردند و تنها به اعمال عبادی خویش مشغول بوده‌اند. علاوه بر این، به دلیل جمعیت کم و در اقلیت بودن، اصلاً در جامعه اسلامی آن روز مطرح نبودند. با این حال، نگاهی به تعالیم دینی آنان - که در بحث عقاید و احکام صابئین به آنها اشاره شد - نشان می‌دهد که این تعالیم، با وجود تحریفاتی که در آنها صورت گرفته، ساخته بشر نیستند و دین آنان، یک دین الاهی است.

شبهه کتابی بودن

اگر ما در شمول لفظ «الکتاب» نسبت به آیین صابئین تردید داشته باشیم و «الکتاب» را منحصر به تورات و انجیل بدانیم و تنها یهود و نصارا را اهل کتاب به حساب آوریم، مجوس و صابئین حداقل شبهه کتابی بودن، یعنی اهل کتاب بودن دارند. آیت‌الله خامنه‌ای در این باره می‌فرماید:

اصطلاح «من له شبهة الكتاب»، ریشه حدیثی ندارد، زیرا در روایات این باب چیزی که این تعبیر از آن استفاده شود، یافت نشد. این تعبیر از زمان شیخ الطائفه، شیخ طوسی، پدید آمد. او در مبسوط می‌نویسد: کافران سه گروه‌اند؛ اهل کتاب که آنان یهودیان و مسیحیان هستند [و گروه دیگر]... کسانی هستند که شبهه کتابی بودن دارند و آنان زرتشتیان هستند و ایشان همان احکام اهل کتاب را دارند. سیاق سخن ایشان چنین می‌نماید که در این عنوان [من له شبهة الكتاب] گونه‌ای اشاره به فلسفه حکم در مورد مجوسیان است. گویا احکام جاری بر زرتشتیان از آن روست که در مورد وضعیت ایشان یا کتابشان تردید وجود دارد و اگر چنین اشاره‌ای مورد نظر نبود، وجهی نداشت که فقیهان یاد شده، از یادکرد اسم مجوسیان رویگردان

شوند و تعبیر کلی «من له شبهه الكتاب» را برگزینند. نتیجه آنکه با توجه به یادکرد «من له شبهه الكتاب» نسبت به فلسفه حکم در مورد مجوسیان، حکم یاد شده منحصر در مجوسیان نیست، بلکه در هر آیینی که در این ملاک با آن مشترک باشد، جاری خواهد شد. رهاورد سخن این است که ملاک پیوست مجوسیان به احکام یهودیان و مسیحیان، آن است که وضعیت ایشان مشتبه است و مرتبط بودن آنان به پیامبری از پیامبران و کتابی از کتابهای آسمانی، محرز نیست. افزون بر این، شاید بتوان گفت که حکم به «مهدور الدم بودن» و رفع حرمت جان انسانها، تنها و تنها محدود به محاربان با دولت اسلامی است و نه دیگر کافران و نیز اینکه حکم به کشتن و جهاد و نبرد با کافران، هر کافری را نمی‌گیرد، بلکه به جز در موارد استثنایی به گروههای خاصی از ایشان محدود است و به فرض آنکه دلیل نتواند این مدعا را به اثبات برساند، حداقل در گروههایی که مشتبه به کتابی بودن هستند، باید احتیاط کرد. علامه حلی نیز فرموده که در مواردی که بنا بر احتیاط است، شک جایگزین قطع می‌شود و بر همین اساس، خون مجوسیان به واسطه شبهه کتابی بودن، مصونیت یافته است.^۱

آیا صابئین شبهه کتابی‌اند؟ صابئین خود مدعی اعتقاد به توحید و نبوت‌اند و به برخی پیامبران اعتقاد دارند و دارای کتاب‌اند. خداوند در قرآن می‌فرماید «و لا تقولوا لمن القی الیکم السلام لست مؤمناً»^۲ به کسانی که اظهار اسلام می‌کنند، نگویید که شما مسلمان نیستید. وقتی اعتراف افرادی که به کفر شهره‌اند، مورد قبول واقع می‌شود و آنان مسلمان خوانده می‌شوند، اعتراف افرادی که ادعای توحید و ایمان به خدا و پیروی پیامبری از پیامبران الهی را دارند، پذیرفته خواهد شد. علاوه بر این، عقل حکم می‌کند قومی که دین و تعالیم خود را عرضه می‌دارند، ادعای آنان در مورد اعتقاداتشان حجت است؛ مگر اینکه از طرف شارع نهی‌ای رسیده باشد و یا دلیلی بر پنهانکاری مذهب واقعی آنان وجود داشته باشد که با توجه به صرفاً عبادی

۱. سایت آیت‌الله خامنه‌ای www.Khamenei.ir.

۲. نساء، آیه ۹۴.

بودن تعالیم صابئین، این مسئله درباره آنان منتفی است.

همچنین ملاک در اعتبار بسیاری از قواعد فقهی و اصولی پذیرفته شده در شرع، بنای عقلا و عرف است؛ مانند قاعده «اقرار العقلا علی انفسهم». شارع مقدس، این قواعد عقلایی و عرفی را امضا کرده است؛ یعنی شارع آنچه را عقلا و خردمندان جامعه برای انجام مصالح و امور زندگی خویش انجام می‌دهند، می‌پذیرد و اگر به دلایلی نپذیرد، آن را رد و نفی می‌کند؛ مانند ربا که نزد عقلا و عرف جوامع پذیرفته شده، اما شارع آن را مردود دانسته است؛ زیرا اگر چنین نباشد، راهی برای شناخت و ارتباط انسانها باقی نمی‌ماند، مثلاً اگر ما بخواهیم در مورد ادیان برهمنی و بودایی و یا مکاتب مارکسیسم و لیبرالیسم، تحقیق و پژوهش کنیم، ناچار باید به گفته‌های متدینان و متخصصان آنان و کتابهایشان رجوع کنیم و عقلا گفته‌های آنان را در این باره، حجت می‌دانند. با توجه به تعالیم صابئین و اعتراف و اقرار آنها به پیروی از پیامبران ذکر شده، می‌توان اطمینان پیدا کرد که آنان دارای دینی الهی‌اند؛ هر چند تحریف در آن راه یافته باشد؛ همان گونه که در تعالیم یهود و نصارا، تحریفات فراوانی راه یافته است.

محقق کرکی در جامع المقاصد درباره صابئین می‌نویسد: گفته‌اند صابئین از نصارا هستند و گفته‌اند آنها روز شنبه را عید می‌دانند و آن روز را تعطیل می‌کنند، پس از یهودند. و گفته‌اند آنان از مجوس هستند. همچنین گفته‌اند که آنها ستارگان را می‌پرستند و معتقدند که ستارگان هفت‌گانه، خدایان‌اند و فلک، زنده و ناطق است. طبق این عقیده، نمی‌توان آنها را با گرفتن جزیه بر دین خود ابقا کرد. وی در پایان بحث، این گونه نتیجه‌گیری می‌کند:

و لو قیل باخذ الجزیة منهم تعویلاً علی ما نقل علی کونهم من النصاری و الیهود الی ان ینعلم تکفیرهم ایاهم و عدمه او رجوعاً الی اخبارهم عن انفسهم بذلک و بانهم لایکفرونه لکان وجهاً لان دعوی من ادعی انه من اهل الجزیة مسموعه ما لم ینعلم خلافها؛^۱ و اگر گفته شود که با اعتماد بر آنچه نقل شده که آنان از نصارا یا یهودند، می‌توان از آنان جزیه گرفت، تا اینکه ایشان [یهود و نصارا] آنان را تکفیر یا تأیید کنند یا اینکه به سخن آنان درباره خودشان اعتماد کنیم و اینکه آنان، خود را تکفیر نمی‌کنند،

۱. جامع المقاصد، محقق کرکی، ص ۴۴۸ - ۴۴۹.

[این قول] وجهی دارد؛ زیرا ادعای کسی که خود را از اهل جزیه می‌داند، پذیرفته می‌شود؛ تا وقتی خلاف آن ثابت نشود. وی اگر چه به طور صریح به اهل ذمه بودن صابئین اشاره نمی‌کند، اما از عبارات وی برمی‌آید که به این قول تمایل دارد. شیخ طوسی در المبسوط می‌نویسد:

إذا احاط المسلمون بقوم من المشركين فذكروا انهم اهل الكتاب و بذلوا الجزية فانه تقبل منهم؛^۱ اگر مسلمانان گروهی از مشرکان را محاصره کنند و آنان یادآور شوند که از اهل کتاب‌اند و حاضرند جزیه بپردازند، از آنان پذیرفته می‌شود.

بنابراین، در حالی که اقرار و اعتراف مشرکان محارب به اهل کتاب بودن پذیرفته می‌شود، چگونه اقرار و اعتراف صابئین به داشتن یک دین الهی مورد پذیرش نیست؟ در حالی که زیان گروه مشرک ذکر شده برای اسلام و جامعه اسلامی، به مراتب از صابئین بیشتر است. یکی دیگر از نکات مهم درباره کفار و مشرکان در جامعه اسلامی، این است که اسلام همواره به نبرد با کفار و مشرکان محارب دستور داده است. به همین دلیل، هر گاه یهود و نصارا محارب بودند، به نبرد با آنان دستور داده شده و هر گاه پذیرفته‌اند که در سایه حکومت اسلامی زندگی کنند و جزیه بپردازند، اسلام به آنان امان داده است. همان گونه که شیخ طوسی در مبسوط فرموده، در هنگام محاصره قومی از مشرکان، اگر آنان به کتابی بودن اعتراف کردند و حاضر به پرداخت جزیه شدند، از آنان پذیرفته می‌شود. بنابراین، قول صابئین درباره الهی بودن تعالیم آنها مورد پذیرش خواهد بود، زیرا محارب نیستند و در صورت عدم محاربه و پرداخت جزیه، در امان حکومت اسلامی خواهند بود.

یکی دیگر از دلایلی که برای اهل کتاب بودن صابئین به آن استناد می‌شود، قرآن است که در سه آیه این موضوع را مطرح کرده است.

در آیه اول، چنین آمده است:

ان الذين آمنوا و الذين هادوا و النصارى و الصابئین من آمن بالله و اليوم الاخر و عمل صالحاً فلهم اجرهم عند ربهم و لا خوف عليهم و لا هم

یحزنون؛^۱ کسانی که ایمان آوردند و کسانی که به آیین یهود گرویدند و نصارا و صابئین، هر گاه به خدا و روز رستاخیز ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند، پاداششان نزد پروردگارشان مسلم است و هیچ گونه ترس و اندوهی برای آنان نیست.

در آیه دوم آمده است:

ان الذين آمنوا و الذين هادوا و الصابئون و النصارى من آمن بالله و اليوم الاخر و عمل صالحاً فلا خوف عليهم و لا هم يحزنون؛^۲ آنان که ایمان آورده‌اند و یهود و صابئان و نصارا، هر گاه به خداوند یگانه و روز جزا ایمان بیاورند و عمل صالح انجام دهند، نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین خواهند شد.

در آیه سوم نیز چنین آمده است:

ان الذين آمنوا و الذين هادوا و الصابئين و النصارى و المجوس و الذين اشركوا ان الله يفصل بينهم يوم القيمة ان الله على كل شىء شهيد؛^۳ مسلماً کسانی که ایمان آورده‌اند و یهود و صابئان و نصارا و مجوس و مشرکان، خداوند در میان آنها، روز قیامت، داوری می‌کند. خداوند بر هر چیزی گواه است.

در آیه اول و دوم، صابئین در کنار مسلمانان و یهود و نصارا ذکر شده‌اند. این می‌رساند که صابئین نیز مانند دو دین دیگر، دارای دین الاهی و توحیدی‌اند. اگر کسی از پیروان این دین، ایمان به خدا و روز قیامت داشته باشد و اعمال و تکالیف خویش را به درستی انجام دهد، اهل نجات خواهد بود، همان گونه که این حکم درباره مسلمانان و یهود و نصارا نیز جاری خواهد بود. اما روشن است که عمل به تعالیم هر دینی به طور صحیح و مطابق فرمان خدا، تنها در زمان خودشان امکان‌پذیر بوده است و پس از نسخ ادیان گذشته به وسیله اسلام، عمل به آنها

۱. بقره، آیه ۶۲.

۲. مائده، آیه ۶۹.

۳. حج، آیه ۱۷.

مورد پذیرش واقع نخواهد شد.

آیت‌الله جوادی آملی دربارهٔ آیهٔ اول می‌فرماید:

ظاهر آیهٔ مورد بحث که صابئین را در عرض مسلمانان، یهود و نصارا مطرح می‌کند و نیز آیهٔ سورهٔ حج که آنان را در عرض مسلمانان، یهود، نصارا، مجوس و مشرکان قرار می‌دهد، این است که آنان نه مشرک و بت‌پرست هستند و نه از یهود و نصارا و مجوس.^۱

آیت‌الله مکارم شیرازی نیز در تفسیر این آیه چنین نوشته است:

ذکر این عده در ردیف مؤمنان و یهود و نصارا نیز دلیل آن است که اینان مردمی متدین به یکی از ادیان آسمانی بوده و به خداوند و قیامت نیز ایمان داشته‌اند و اینکه بعضی آنها را مشرک و ستاره‌پرست و بعضی دیگر آنها را مجوس می‌دانند، صحیح نیست.^۲

در آیهٔ سوم، صابئین در کنار یهود و نصارا و مجوس و مشرکان ذکر شده و به اصطلاح قسیم هم آمده‌اند. و وقتی صابئین قسیم مشرکان باشد، نمی‌تواند قسمی از آنان محسوب شود؛ زیرا قسم شیء، قسیم آن نمی‌شود و یا به عبارت دیگر، قسیم شیء، قسم آن نمی‌شود. پس صابئین گروهی در مقابل گروههای یاد شده است. در این آیه، حکم خاصی دربارهٔ این گروهها بیان نشده و تنها وعده داده شده که در قیامت میان آنان داوری خواهد شد.

آیت‌الله سید محمد شیرازی در کتاب الصابئة فی عقیدتهم و شریعتهم می‌نویسد:

و من هذه الآيات الكريمة يستفاد ان الصابئین لیس من الیهود و النصاری و المجوس و يستفاد انهم قبال المشرك المطلق فانهم فی الحقیقة مشرک كما ان الیهود و النصاری مشرک حقیقة لكنهم اذا قولوا بالمشرك اربد بالمشرك غیرهم؛^۳

از این آیات کریمه استفاده می‌شود که صابئین غیر از یهود و نصارا و مجوس هستند و

۱. تفسیر تسنیم، ج ۵، ص ۳۴.

۲. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۲۸۸.

۳. الصابئة فی عقیدتهم و شریعتهم، سید محمد شیرازی، ص ۱۵.

استفاده می‌شود که آنان در قبال مشرک مطلق هستند. پس آنان در حقیقت، مشرک هستند؛ همان طور که یهود و نصارا، در حقیقت مشرک می‌باشند؛ اما وقتی که این گروهها با مشرک (مطلق) مقایسه شوند، غیر از مشرک می‌باشند. از این سخن معلوم می‌شود که اگر صابئین با مسلمانان مقایسه شوند، همچون یهود و نصارا مشرک خواهند بود؛ اما در مقابل مقایسه با مشرک مطلق، آنان غیر مشرک و اهل کتاب می‌باشند، آیت‌الله خوبی نیز صابئین را اهل کتاب می‌داند. وی در پاسخ استفتایی که متن آن با مهر ایشان در کتاب الصابئه، تألیف غضبان رومی کپی شده، نوشته است: چنان که ظاهر است، صابئی از اهل کتاب است.^۱



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. پژوهشی درباره صابئین، ص ۱۷؛ میثاق امین (فصل نامه پژوهشی اقوام و مذاهب)، پیش شماره اول، ص ۶۴